

متن پرسش

سلام خدمت استاد محترم: با توجه به حدیث های متواتر از اهل بیت اینکه گفته می شود: (۱) همانا در نزد هیچ دسته و گروه از مردم حقیقت و راه درستی وجود ندارد مگر آن چیزی که از نزد ما اهل بیت صادر شده باشد. (میزان الحکمه-ج ۶-ص ۵۳۴-باب ۲۹۲۲) (۲) همانا فقط با راه و برنامه ما اهل بیت است که می توان خداوند را عبادت نمود و به او عرفان پیدا کرد و موحد گردید. (اثبات الهداه-ج ۱-ص ۵۹) (۳) هرکس بخواهد عرفان و حقیقت دین خویش را از منبع دیگری به غیر از ما اهل بیت (ع) اخذ نماید گویا ما را انکار نموده باشد. (پیام امام زمان-ص ۷۳) و... احادیث دیگر و آن عارفانی مثل میرزای اصفهانی که راه گم کرده ای خود را از امام زمان طلب کردند و امام زمان عنایت کردند و راه مستقیم را به او نشان دادند و گفتند راه مستقیم را فقط از ما اهل بیت بخواهید حال سوال من اینجاست چرا در جستجوی علم دین از قران و روایت کمی فاصله بگیریم و از مکتب صدرایی و عارفانی راه گم کرده همچون ابن عربی و امثال اینها مطالعه کنیم و با توجه به اینکه اینها علوم بشری هستند و خطاپذیر ولی علوم غیر بشری مثل قرآن و روایات ائمه خطاناپذیر فاصله بگیریم در نهایت اینکه چرا ما باید عمدتاً تحت تاثیر حکمت متعالیه ملاصدرا و عرفان محی الدین قرار بگیریم در صورتی که اینها مطابق عرفان حقیقی و آنچه معصومین گفته اند عرفان در تاریکی و عارفان راه گم کرده اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده با مطالعه‌ی حکمت متعالیه و سخنان محی‌الدین به این نتیجه رسیدم که این بزرگان با دقت بسیار زیاد در روایات و آیات توانسته‌اند جمع‌بندی خوبی نسبت به توحید و معاد و امامت در اختیار ما بگذارند و به ما کمک کنند تا قدرت تدبّر در قرآن و روایت پیدا کنیم. انسان با تعمق در فصوص محی‌الدین که تماماً تعمق در آیات قرآن است. بهتر می‌تواند قرآن را بفهمد نمونه‌اش تفسیر المیزان است که قابل مقایسه با هیچ تفسیری نیست و به تعبیر شهید مطهری از صدر اسلام تا حال تفسیری این‌چنین عمیق از قرآن نبوده، در حالی‌که به خوبی معلوم است علامه طباطبایی «رحمت‌الله‌علیه» تحت تأثیر دقت‌هایی است که محی‌الدین در قرآن داشته است. شما تصمیم بگیرید این دعوت قرآن را که می‌فرماید در من تدبّر کنید را عمل فرمایید ببینید به چه نتیجه‌ای می‌رسید. موفق باشید